



استحکام بنیان‌های زندگی مشترک در گفتمان رضوی

«با مطالعه تطبیقی جایگاه نهاد داوری در فقه امامیه و قانون حمایت خانواده»

دریافت: ۱۳۹۷/۴/۲۶ پذیرش: ۱۳۹۷/۷/۲۵

حبیب صادقی^۱، محمدحسن جوادی^۲، سیدمهدی قریشی^۳

چکیده

خانواده از مهم‌ترین نهادهای بشری است که در آن شخصیت انسانی شکل می‌گیرد و کمالات بشری شکوفا می‌شود و رشد می‌کند. در این جستار، نگارندگان تلاش کرده‌اند تا از گفتمان رضوی در تبیین استحکام روابط زوجین کمک بگیرند. بر این مبنای، با تحقیق در کلام امام رضا (علیه‌السلام) به احصای علت‌ها و مصداق‌های اختلاف‌های خانوادگی پرداخته که با رعایت هر یک از آنها توسط زوجین، اختلاف‌های خانوادگی کمتر می‌شود. در ادامه، برای حلّ اختلاف‌های خانوادگی و با توجه به تأکید نصّ صریح قرآن کریم، نهاد داوری از منظر فقه و حقوق بررسی شده است. در نهایت، با بررسی و تحلیل آسیب‌شناختی، پیشنهادهایی برای تکمیل و تنقیح قوانین ارائه شده است. نهاد داوری به‌عنوان نهادی مبتنی بر مبانی فقهی - حقوقی، مواد ۴۵۴ تا ۵۰۱ آئین دادرسی مدنی را به‌خود اختصاص داده است. بنابراین، در مقاله حاضر یکی از نوآوری‌های قانون جدید حمایت خانواده از منظر فقهی - حقوقی، بحث و بررسی تطبیقی شده است.

کلیدواژه‌ها: قانون خانواده، گفتمان رضوی، نهاد داوری، قانون حمایت خانواده، فقه امامیه.

۱. دانشجوی دکتری فقه و حقوق دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران: sadeghi.habib57@gmail.com

۲. استادیار گروه فقه و حقوق دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران (نویسنده مسئول): javadi_78@yahoo.com

۳. استادیار گروه فقه و حقوق دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران: ssm.ghoreishi@urmia.ac.ir

۱. مقدمه

خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است. توافق عقیدتی و آرمانی در تشکیل خانواده که زمینه‌ساز اصلی حرکت تکاملی و رشدیابنده انسان است، اصل اساسی بوده و فراهم کردن امکانات برای نیل به این مقصود، از وظایف حکومت اسلامی است (مقدمه قانون اساسی).

در همین راستا و با توجه به اهمیت نهاد خانواده، قانون‌گذار یکی از اصول نخستین (اصل دهم) را به خانواده اختصاص داده و چنین مقرر کرده است:

«از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.» (اصل دهم ق.ا)

خانواده، مقدس‌ترین نهاد از دیدگاه اسلام است. ازدواج پیوندی مقدس و ضروری است که دارای کارکردهای متعدد فردی و اجتماعی مورد تأکید اسلام است. اسلام با طلاق سخت مخالف بوده و تا حد امکان درصدد است که این امر صورت نگیرد و برای پرهیز خانواده‌ها از طلاق، آموزه‌هایی را مطرح کرده است. در عین حال، در مواردی که مصالح مهم‌تر ایجاب کند، ممنوعیت مطلق برای طلاق قایل نشده است (مطهری، ۱۳۸۲: ۲۳۹). یکی از راهکارهای مطرح در دین مبین اسلام برای جلوگیری از طلاق و فروپاشی کانون خانواده، حکمیت یا داوری است.

باتوجه به این شرایط، با تصویب قانون حمایت خانواده (۱۳۹۲) راهکاری نوین و ابتکاری در فصل دوم پیشنهاد شده است. نهاد داوری، نهادی است که در معیت دستگاه قضا، برای تحکیم مبانی خانواده و جلوگیری از افزایش اختلاف‌های خانوادگی و طلاق، سعی در ایجاد صلح و سازش نموده است. فهم و نقد کارکرد این نهاد، در بستر شناختی همه‌جانبه از مسئله دعوای خانوادگی، بهتر روی می‌دهد. با وجود این، قانون حمایت خانواده به‌ویژه فصل دوم، موضوعاتی را پیش کشیده که بررسی آن‌ها ضرورت

دارد. در این نوشتار، ضمن بیان گفتمان و راهکارهایی در سیره و فرهنگ رضوی، نهاد داوری از منظر فقهی و حقوقی بررسی می‌شود.

شیوه پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی است. ابتدا مباحث مرتبط با موضوع از منابع موجود استخراج و مطالعه شده است. سپس نتایج مطالعات در ابزار مناسب ثبت و نگهداری و در نهایت طبقه‌بندی و بهره‌برداری شده است.

۲. موارد اختلاف در خانواده و پیشگیری از آن‌ها در سیره امام رضا (علیه‌السلام)

بخشی از مهارت‌های خانوادگی شامل مهارت‌های شناختی (معرفتی) است. در حقیقت، کلید ورود به سایر مهارت‌ها با آگاهی از محورها و مؤلفه‌هایی نظیر شناخت نیازها، اقتضائات و ویژگی‌های همسر است. شناخت ویژگی‌های روحی و روانی همسر، عاملی برای تداوم زندگی و تکامل معنوی است زیرا غفلت از آن، دستیابی به تعادل و آرامش روحی را مختل می‌کند. در نتیجه فرد پیوسته با ناراحتی، تعارض و ناهماهنگی مواجه می‌شود و درست به‌همین دلیل اختلاف‌ها بروز می‌کند.

۲-۱. عدم احترام به همسر

از اموری که سبب بقا و استحکام بنیان خانواده می‌شود و در صورت نبود آن آرامش و کیان خانواده متزلزل می‌گردد، احترام به همسر است.

سیره پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌آموزاند که مرد و زن زندگی مشترک را با رفتاری نیکو طی کنند و از بودن با هم و زیستن در کنار یکدیگر لذت ببرند و هم را کامل و به‌سوی اهداف زندگی‌شان سلوک کنند. قرآن کریم به مردان فرمان می‌دهد که در هر حال با همسرانشان نیک‌رفتاری داشته باشند و ناملایمات زندگی آنان را به رفتاری دیگر نکشاند. حتی اگر زندگی مشترک به بن‌بست رسید و به‌هیچ‌وجه ادامه آن ممکن نشد کار به جدایی کشید، آنجا نیز با نیک‌رفتاری

جدایی صورت پذیرد: «یا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تَخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا. فَإِذَا بَلَغَنَّ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ» (ای پیامبر، چون خواهید زنان را طلاق گوئید، از هنگامی که عده‌شان آغاز شد [طهر غیر مواقعه] طلاق دهید، و حساب عده را نگه دارید؛ و از خداوند، پروردگارتان، پروا کنید. آنان را از خانه‌هایشان بیرون نکنید، و خودشان هم بیرون نروند، مگر آنکه مرتکب کار ناشایست آشکاری شوند؛ و این احکام الهی است و هر کس از [حد و مرز] احکام الهی تجاوز کند، قطعاً در حق خود ستم روا داشته است. نمی‌دانی، شاید خدا پس از این کاری تازه پدید آرد. سپس چون به پایان عده‌شان نزدیک شوند، یا به نیکویی نگاهشان دارید او رجوع کنید، یا با خیر و خوشی از آنان جدا شوید) (طلاق/۲-۱) (ر.ک: دلشاد تهرانی، ۱۳۸۳، ج ۴: ۲۳۶).

نیک‌رفتاری با همسر پیمانی است در ذات زندگی مشترک و چون کسی پذیرای پیوند مشترک شود، به رفتار نیک نیز متعهد می‌گردد و حق نقض این پیمان الهی را ندارد. تربیت‌شدگان مدرسه نبوی مکرر این پیمان را یادآور شده‌اند تا مبدا از این پیمان غفلت شود. سخن نقل شده از حضرت رضا (علیه‌السلام) بیانگر این حقیقت است: «لَمَّا تَزَوَّجَ الرَّضَاعُ ابْنَةَ الْمَأْمُونِ خَطَبَ لِنَفْسِهِ فَقَالَ: ... زَوْجِنِي ابْنَتَهُ عَلِيٍّ مَا فَرَضَ اللَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ - لِلْمُسْلِمَاتِ عَلَيَّ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ إِسْمَاعِكَ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٍ بِإِحْسَانٍ»

هنگامی که حضرت رضا (علیه‌السلام) با دختر مأمون ازدواج کرد، فرمود: «[مأمون] دختر خودش را به همسری من درآورد و خدای عزوجل برای زنان مسلمان بر مردان مؤمن واجب کرده است که زنان را به نیکی نگاه دارند یا [در صورت ناچاری] به نیکویی جدا شوند.» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۳: ۳۹۸؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰: ۲۶۱؛ مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۱۰۰: ۲۶۴).

در آموزه‌های پیشوایان دین نیک‌رفتاری با خانواده چنان والا مرتبه است که آثار و نتایج آن تنها به سامان دادن زندگی خانوادگی محدود نمی‌شود، بلکه آثار و نتایج روحی و روانی آن بر خود شخص و نیز در نظام تکوین، در خور توجه است. حدیث امام صادق (علیه‌السلام) از این جمله است: «من حسن برّه بأهله زاد الله من عمره» (هرکس با خانواده‌اش نیک‌رفتار باشد، خداوند بر عمرش بیفزاید) (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸: ۲۱۹؛ ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱: ۸۸؛ حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۴: ۳۵۵؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۶: ۱۴۲).

در زندگی مشترک، توجه کردن به تحمل و ظرفیت همسر نیز امری ضروری است. امام رضا (علیه‌السلام) می‌فرماید: «مردی امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) را به مهمانی دعوت کرد. حضرت فرمود: به این شرط می‌پذیرم که سه قول بدهی. مرد گفت: این سه قول کدام است؟ فرمود: از بیرون منزل چیزی برایم نیاوری، از آنچه در منزل داری چیزی از من دریغ نکنی و خانواده‌ات را به زحمت نیندازی. مرد گفت: قول می‌دهم و حضرت نیز دعوت او را پذیرفت.» (ابن بابویه، ۱۳۷۲: ۴۲)

۲-۲. رعایت نکردن معیارهای صحیح در معاشرت

منشأ بسیاری از اختلاف‌ها توقعات یک‌طرفه مردان از همسرانشان است. همان‌گونه که مردها از همسرشان انتظار دارند که زیبا و دلربا باشد، زن نیز از همسرش می‌طلبد که تمیز، خوشبو و آراسته باشد. راوی گوید: «نزد امام رضا (علیه‌السلام) رفتم. موهایش را رنگ سیاه زده بود. گفتم: فدایت شوم! با رنگ سیاه موهایت را رنگ کرده‌ای؟ فرمود: در رنگ‌آمیزی مو پاداش است. رنگ کردن مو و آراستگی و آمادگی از چیزهایی است که پاکدامنی زنان را افزون می‌سازد و زنانی که پاکدامنی را رها کرده‌اند؛ همسرانشان خود را برای ایشان آماده نکرده‌اند.» (مجلسی، ۱۴۰۴ق ج ۶: ۱۰۰).

در قرآن کریم، اساسی‌ترین اصل در رفتار و تعامل بین زوجین معاشرت به معروف است که به‌صراحت در آیه ۱۹ سوره نساء به آن اشاره شده است. معاشرت به‌دلیل

ساختار واژگانی (باب مفاعله) از مفاهیم اجتماعی دوسویه است که هرگاه قید و پسوندی بدان افزوده نشود، گزینه‌های چندی در آن جای می‌گیرد. معاشرت مردان با مردان، زنان با زنان، مردان با زنان در جامعه و مردان با زنان در درون خانواده که مهم‌ترین آن‌ها گزینه اخیر است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۸: ۱۴۳؛ معلوف، ۱۳۸۲، ج ۲: ۱۱۲۵).

در آیه شریفه مورد بحث، خطاب معاشرت به معروف به شوهران، صراحت و شفافیت کاملی دارد، اما به یقین چنین خطابی هرگز دلیل بر آن نمی‌شود که این اصل اخلاقی در باور قرآنی در باب همسران، با توجه به هدف از ازدواج و فلسفه آفرینش، یک‌طرفه باشد. چنین فلسفه‌ای اقتضا می‌کند که هر یک از همسران با دیگری به شکل محبت‌آمیز رفتار کند و تنها رفتار یکی از آن‌ها طبق این آیه، هرگز نمی‌تواند آرامش طرفینی را حاصل آورد. حتی برخی از محققان محدوده مخاطبان را فراتر از زندگی خانوادگی قرار داده و گفته‌اند: «اگرچه در آیه شریفه «و عاشروهن بالمعروف» به مردان خطاب می‌شود، لیکن این خطاب به شوهران اختصاص ندارد. این جمله افزون بر آنکه شامل حسن معاشرت مرد در مقابل زن و زن در مقابل مرد می‌شود، ممکن است شامل چگونگی رابطه برادر با خواهر یا همکار مرد با همکار زن هم بشود» (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۸: ۱۴۳).

صاحب تفسیر المنار، در این باره می‌گوید: «در مفهوم معاشرت، مشارکت و برابری نهفته است؛ یعنی مردان با زنان بر اساس متعارف رفتار کنند و زنان نیز می‌باید با مردان بر پایه معروف معاشرت داشته باشند.» (رشیدرضا، ۱۹۹۵، ج ۴: ۴۵۶).

۲-۳. برطرف نکردن نیازهای همسر

برای آغاز زندگی مشترک، مقدمات و آمادگی‌های خاصی مورد نیاز است. از آن جمله می‌توان به شناخت نیازهای زوجین اشاره کرد. بدون شک، شناخت نیازها و راه درست برآورده کردن آن توسط هر یک از زوجین، پیش‌نیاز یک ارتباط خوب و سازنده است که موجبات استحکام بنیان زندگی زناشویی می‌گردد.

هر یک از زوجین وظیفه دارند در زندگی مشترک نسبت به شناسایی نیازهای عاطفی، فیزیولوژیکی، مادی و روحی - روانی یکدیگر اقدام و در راستای برآورده شدن مطلوب آنها تلاش کنند. شناخت ویژگی های روحی و روانی همسر، عاملی برای تداوم زندگی و تکامل معنوی است زیرا غفلت از آن دستیابی به تعادل و آرامش روحی را مختل می کند و در نتیجه فرد را پیوسته با ناراحتی، تعارض و ناهماهنگی مواجه می سازد. (شرفی، ۱۳۸۸: ۸۴).

یکی از این نیازهای روحی و روانی از جمله وظایف زن و مرد نسبت به هم، حفظ شادی و نشاط یکدیگر است که از شاخصه های سلامت و بهداشت روانی است (ر.ک: مظاهری، بی تا: ۶۲؛ منتظری، ۱۴۲۷ق: ۲۷۶). در باب سیره و منش امام رضا (علیه السلام) راوی نقل کرده است: «روز عید عرفه به دیدار حضرت رضا (علیه السلام) رفتم ... به ایشان گفتم: یابن رسول الله! ای سرورم! ای سرور و مولایم! من تهیدست و درمانده ام و چیزی ندارم که بتوانم به افراد خانواده ام عیدی بدهم و آنها را در این عید عزیز خوشحال گردانم. امام پس از شنیدن درخواستم قطعه طلائی را که کم و بیش صد دینار ارزش داشت، به من عنایت نمود. من با گرفتن آن هدیه خوشحال شدم و توانستم نیازهای خود و خانواده ام را تأمین کنم.» (فیض کاشانی، ۱۴۱۶ق: ۳۷).

اهدای تحفه و هدیه به مناسبت های گوناگون به خصوص هنگام برگشت از سفر می تواند بیانگر عشق و محبت به همسر باشد. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرماید: «کسی که به بازار رفته و هدیه ای خریداری نموده و برای خانواده اش ببرد، ثواب کسی را دارد که برای بیچارگان صدقه ای را برده باشد.» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱: ۵۱۴).

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «وقتی یکی از شما به مسافرت رفت، هنگام مراجعت برای خانواده اش تحفه ای ولو ناچیز بیاورد» (همان، ج ۱۱: ۴۵۹).

۲-۴. بی توجهی به نیازهای معیشتی:

یکی دیگر از عوامل اختلاف زن و مرد در خانواده، عدم تأمین و عدم توجه به نیازهای معیشتی همسر و فرزندان است. امام رضا (علیه‌السلام) می‌فرماید: «بر صاحبان نعمت واجب است که بر افراد تحت سرپرستی خود توسعه دهند و به زندگی آنان گشایش بخشند.» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۱۱).

امام رضا (علیه‌السلام) می‌فرماید: «هیچ طایفه و ملتی را نمی‌بینیم که به زندگی ادامه داده و پایدار مانده باشد مگر به وجود رئیس یا سرپرستی که ضروریات مادی و معنوی آنان را تأمین کند.» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۶: ۶۰).

خانواده که تشکیل شده از زن، شوهر و فرزندان به‌عنوان کوچک‌ترین نهاد اجتماعی نیز برای ادامه حیات و پایداری، نیاز به مدیر و سرپرست دارد تا طبق فرمایش امام (علیه‌السلام) ضروریات مادی و معنوی اعضای آن را تأمین کند.

۲-۵. نداشتن اعتدال در زندگی

اعتدال از اصولی است که در اسلام توجه زیادی شده است و در زندگی سراسر نور پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و ائمه هدی (علیهم‌السلام) به‌روشنی دیده می‌شود. آنان هرگز در هیچ امری از اعتدال خارج نشدند. سیره رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در همهٔ وجوه سیره‌ای معتدل بود، چنان‌که علی (علیه‌السلام) دربارهٔ آن حضرت فرموده است: «سیرته القصد» (سیره و رفتار او میانه‌روی است) (نهج‌البلاغه، خطبه ۹۴). رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در رفتار فردی، در خانواده و اجتماع، در اداره امور و سیاست و حتی در رویارویی با دشمنان و در میدان نبرد اعتدال را پاس می‌داشت و از افراط و تفریط در هر کاری پرهیز می‌کرد. در خبر مشهور و متفق شیعیه و سنی آمده است که حسین (علیه‌السلام) گفت: از پدرم امیر مؤمنان (علیه‌السلام) دربارهٔ سیره رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در خارج از منزل پرسیدم، فرمود: «کان رسول الله

(صلی الله علیه و آله) معتدل الأمر غیر مختلف» (رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در همه امور معتدل و میانه رو بود. افراط و تفریط نمی کرد) (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۸۲؛ فیض کاشانی، ۱۳۷۶، ج ۴: ۱۶۱؛ طباطبایی، ۱۳۷۸: ۱۶).

متأسفانه بسیاری از جوامع انسانی در حیات خود فاقد این اصل بوده و هستند. از این رو، یا به دامن افراط افتاده یا در دام تفریط غلتیده اند و از مسیر صحیح و طریق کمال و هدایت خارج شده اند. ریشه بسیاری از انحراف های فردی و اجتماعی را می توان در رعایت نکردن اصل اعتدال جست؛ چه مشکلاتی که انسان در رابطه با خود پیدا می کند و نمی تواند آن ها را حل کند و چه مشکلاتی که در خانواده و روابط خانوادگی بروز می کند و چه مشکلاتی که در جوامع به سبب رعایت نکردن این اصل پدید می آید. اصولاً شأن عقل اعتدال است و شأن جهل عدم اعتدال؛ یعنی انسان عاقل انسانی معتدل است و انسان جاهل انسانی غیرمعتدل (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۱۶۳).

بنابراین، انتخاب شیوه معتدل و گزینش راه میانگین در امور معیشت، یکی از سالم ترین برنامه های اقتصادی در امور زندگی است. راوی گوید: از امام رضا (علیه السلام) درباره هزینه های خانواده ام طلب اذن نمودم، حضرت فرمودند: «حد وسط بین دو چیزی که ناپسند است (افراط و تفریط). گفتم: فدایت شوم! به خدا سوگند که دو چیز مبعوض را نمی شناسم. فرمود: خدا تو را رحمت کند. مگر نمی دانی که خدا دشمن می دارد زیاده روی و سخت گیری را.» (قمی، ۱۴۱۴ق: ۶۱۵؛ بروجردی، ۱۴۲۹ق، ج ۲: ۲۵۶).

۲-۶. عدم اظهار احساسات طرفین به یکدیگر

یکی دیگر از عوامل اختلاف، عدم اظهار احساسات طرفین به یکدیگر است. البته، این امر به فرهنگی وابسته است که زوجین در آن رشد یافته اند ولی آموزه های دینی ما مودت و رحمت میان اعضای خانواده به ویژه زن و مرد را اساسی ترین عنصر قوام معرفی می کند. نه فقط در دل بلکه در رفتار و گفتار و حالات نیز باید این

محبت مشهود باشد تا باعث دلگرمی و ثبات شود.

امام رضا (علیه السلام) می‌فرماید: «اگر نسبت به کسی محبتی دارید، آن را آشکار کنید زیرا اظهار دوستی نیمی از خردمندی به‌شمار می‌آید.» (ابن شعبه، ۱۳۷۶: ۴۴۳).

زن و مرد برای دستیابی به آرامش و آسایش کامل باید زندگی خویش را بر اساس عشق و صمیمیت قرار دهند و در مواقع گوناگون این علاقه و دوستی را به یکدیگر ابراز نمایند و خاطرنشان سازند. در سخن گرانبهایی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) چنین آمده است: «قَوْلُ الرَّجُلِ لِلْمَرْأَةِ: إِنِّي أَحِبُّكَ، لَا يَذْهَبُ مِنْ قَلْبِهَا أَبَدًا.» (مرد به زنی بگوید دوستت دارم، هرگز از خاطر زن بیرون نمی‌رود) (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰: ۲۳) (ر.ک: منتظری، ۱۴۲۷ق: ۲۶۹).

بنابراین زن و شوهر باید عواطف خود را نسبت به یکدیگر علنی سازند و در این مورد از خجالت و شرمساری پرهیز کنند. اصل محبت را خداوند در قلب زن و شوهر قرار می‌دهد و بر آنان است که این نعمت باطنی و حالت قلبی را که موجب آرامش زندگی و صفا و پاکی است، به وسیلهٔ جانبداری از هم، گذشت و فداکاری، خوش اخلاقی، حفظ شئون و شخصیت طرفین و اجتناب از بحث‌های بیهوده حفظ کنند و از عواملی که به محبت و عاطفه خلل وارد می‌کند، پرهیزند.

البته این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که نه تنها علاقهٔ خانوادگی زن و مرد به یکدیگر با علاقه به اشیا فرق می‌کند، علاقهٔ خود آن‌ها به یکدیگر نیز متشابه نیست؛ یعنی نوع علاقهٔ مرد به زن با نوع علاقهٔ زن به مرد متفاوت است. با اینکه تجاذب طرفینی است، اما به عکس اجسام بی‌جان، جسم کوچک‌تر جسم بزرگ‌تر را به سوی خود می‌کشاند. آفرینش، مرد را مظهر طلب و عشق و تقاضا و زن را مظهر محبوبیت و معشوقیت قرار داده است. احساسات مرد نیازآمیز و احساسات زن نازخیز است. احساسات مرد طالبانه و احساسات زن مطلوبانه است (مطهری، ۱۳۸۲، ج ۱۹: ۱۸۴).

۷-۲. مهریه

مهریه نیز به عنوان یکی از ابزارهای فشار چه از سوی مرد و چه از سوی زن، نقش زیادی در بروز اختلاف های میان زن و شوهر دارد.

به رسمیت شناختن حقوق کاری عقلانی است. و رای عقلانیت، عاطفه و ایثار است. آموزه های دینی هر دو طرف را به این فضایل دعوت می کند.

حضرت رضا (علیه السلام) از پدران بزرگوارش از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت کرده اند: «خداوند متعال هر گناهی را مورد آمرزش قرار می دهد مگر گناه انکار مهر زن یا غصب دستمزد اجیر یا فروش انسان آزاد را.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۰: ۱۲۹؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۳: ۳۷۸؛ قمی، ۱۴۱۴ق، ج ۱: ۵۰).

البته، از جانب پیامبر و عترت او خطاب به زنان با کرامت توصیه شده است که اگر زمینه مناسبی در خصوص بخشیدن مهر خود به شوهر مشاهده کنند از این خصلت عالی که بیانگر جود و کرم و نشانه سخاوت و بزرگواری است چشم پوشی نکنند: «ثَلَاثٌ مِنَ النِّسَاءِ يَرْفَعُ اللَّهُ عَنْهُنَّ عَذَابَ الْقَبْرِ - وَيَكُونُ مَحْشَرُهُنَّ مَعَ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ ص - امْرَأَةٌ صَبَرَتْ عَلَى غَيْرَةِ زَوْجِهَا - وَ امْرَأَةٌ صَبَرَتْ عَلَى سُوءِ خُلُقِ زَوْجِهَا - وَ امْرَأَةٌ وَهَبَتْ صَدَاقَهَا لَزَوْجِهَا - يُعْطِي اللَّهُ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ ثَوَابَ أَلْفِ شَهِيدٍ - وَيَكْتُبُ لِكُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ عِبَادَةَ سَنَةٍ»؛ سه گروه از زنانند که خداوند عذاب قبر را از آنان برطرف کرده و با فاطمه زهرا (سلام الله علیها) در قیامت محشور خواهند شد: ۱. زنی که در برابر غیرت شوهرش صبر نماید. ۲. زنی که در برابر بداخلاقی همسرش شکیباست. ۳. زنی که مهریه اش را به شوهرش می بخشد. خداوند به هر گونه از این زنان، ثواب هزار شهید را می دهد و برای هر یک از آنها عبادت یک سال را می نویسد. (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱: ۲۸۵).

۸-۲. حافظ اسرار یکدیگر نبودن

زوجین باید حافظ اسرار یکدیگر باشند. زمانی آتش اختلاف‌های ساده به شعله‌ای فروزان و مشکلاتی پیچیده منجر می‌شود که اسرار خانواده به بیرون منتقل می‌شود. خداوند در قرآن می‌فرماید: «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَاَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ» (بقره: ۱۸۷). همان کاری که لباس با تن و عورت (زشتی‌های تن) می‌کند، زن و شوهر باید برای یکدیگر انجام دهند و عیوب و ضعف‌های یکدیگر را نزد غیر بپوشانند. حریم شخصی زن و شوهر پس از ازدواج جدا نیست و حریم زن حریم مرد و حریم مرد حریم زن است. پس زن همان‌گونه که رازدار خویش است، باید رازدار همسرش نیز باشد و برعکس.

حارث بن دلهاث گوید: امام رضا (علیه‌السلام) فرمود: «مؤمن، مؤمن نیست مگر اینکه سه خصلت در او باشد: سنتی از پروردگارش، سنتی از پیامبرش و سنتی از مولایش». سنت پروردگار، حفظ اسرار خویش است. خداوند می‌فرماید: «عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ» (خداوند عالم به غیب است و هیچ کس را بر غیب خود مطلع نمی‌سازد مگر کسی را که بپسندد و از وی راضی باشد، که همان پیامبران هستند) (جن: ۲۶-۲۷) (ابن بابویه، ۱۳۷۲، ج ۱: ۵۲۹).

چنان‌که مشاهده می‌شود یکی از تعبیرهای جالب توجه قرآن در ترسیم رابطه میان همسران، استفاده از تمثیل «لباس» است. لباس از یک‌سو انسان را از سرما و گرما و خطر برخورد اشیا با بدن حفظ می‌کند و از سوی دیگر عیوب او را می‌پوشاند و از سوی سوم زینتی است برای تن آدمی ... دو همسر یکدیگر را از انحراف‌ها حفظ می‌کنند، عیوب هم را می‌پوشانند و هریک زینت دیگری محسوب می‌شود. این تعبیر نهایت ارتباط معنوی مرد و زن و نزدیکی آن‌ها را به یکدیگر و نیز مساوات آنان را در این زمینه کاملاً روشن می‌سازد زیرا همان تعبیر که درباره مردان آمده، درباره زنان هم بدون تغییر آمده است. شاید چیزی مانند لباس به انسان نزدیک نباشد و این تعبیر اصل دوستی و قرابت معنوی زن و شوهر را می‌رساند. به علاوه، کارکردهای آن که زمینه این دوستی و نزدیکی را بارور می‌سازد: اولاً نسبت به یکدیگر جنبه

عیب پوشی و رازنگهداری دارند؛ چنان که لباس عیوب انسان و مسائل شخصی و اختصاصی را می پوشاند: «پس زنان درستکار، فرمانبردارند و به پاس آنچه خدا برای آنان حفظ کرده، اسرار شوهران خود را حفظ می کنند». ثانیاً زینت یکدیگرند؛ یعنی همان طور که لباس تا حدی نشان شخصیت فرد و موجب زینت اوست، هریک از زن و شوهر با نادیده گرفتن لغزش ها و نقاط منفی جزئی و با برجسته نمودن ویژگی های مثبت و تقویت آن ها می تواند زینتی برای همسر خود باشد. توجه به این مسئله در رفع بسیاری از اختلاف های خانوادگی و در جلب محبت همسر تأثیر بسیار مهمی دارد زیرا انسان به صورت فطری به کسی علاقه مند می شود که به او احسان کرده و چه احسانی بالاتر از پوشاندن عیوب، گذشتن از لغزش ها، تقویت اعتماد به نفس و برجسته ساختن ویژگی های مثبت (عباس نژاد، ۱۳۸۴: ۲۸۸).

از حضرت رضا (علیه السلام) روایت شده که ایشان فرمودند: «هیچ فایده ای به کسی نمی رسد بهتر از اینکه برایش همسری باشد که نگاه کردن به او و مصاحبت با او موجب شادمانی همسر بوده و در غیاب شوهر امانتدار و حافظ حریم خویش و خانواده و اموال وی باشد.» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰: ۳۹).

از آن جهت که مسئولیت امنیت روانی خانواده برعهده زن است و کلیدهای عاطفه و رموز ایجاد روابط قلبی به دست اوست، اسلام از زن انتظاری متناسب با این جایگاه دارد. چون سعادت و شقاوت خانواده به بانوی خانه وابسته است، در روایات ائمه هدی (علیهم السلام) بالاترین زینت و نهایت سعادت برای مرد، برخورداری از همسری شایسته معرفی شده است.

۲-۹. توهین به همدیگر و خانواده ها

توهین زن و شوهر به هم و به خانواده های یکدیگر یکی از عوامل اختلاف است که منجر به سستی و به سردی گراییدن روابط زن و شوهر می شود. در آموزه های اسلام از جمله صورت های به شدت نکوهیده، خشونت خانوادگی، خشونت گفتاری یا بدزبانی

است. تنیدی و تیزی و درشتی در گفتار، به کار گرفتن واژه‌های زشت به منظور تحقیر و آزار، گزندگی در بیان، استفاده از داد و فریاد، نسبت ناروا دادن، ناسزا گفتن و... همه در راه و رسم نبوی مطرود و ممنوع است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نسبت به این موارد سخت حساسیت نشان داده است. از جابر بن عبدالله انصاری روایت شده است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «ألا أخیرکم بشرار رجالکم؟ قلنا: بلی یا رسول الله. فقال: إن من شرار رجالکم البهات، البخیل، الفاحش...» (آیا شما را از بدترین مردانتان آگاه نسازم؟ گفتیم: چرا، ای رسول خدا. فرمود: بدترین مردان شما کسی است که تهمت زن، بخیل، بدزبان و دشنام‌گوی است) (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰: ۳۴). امام رضا (علیه السلام) می‌فرماید: «خطای زشت زن در این است که خانواده شوهرش را آزار دهد و به آن‌ها دشنام گوید.» (همان، ج ۲۲: ۲۲۲).

درشت‌زبانی در آموزه‌های دینی مطرود است (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱: ۱۰۲؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۳۵۹)؛ به‌ویژه از سوی زن نسبت به همسر و متعلقانش تا این حد که امام رضا (علیه السلام) در این مورد «باردار نکردن» زن را جایز می‌داند. یعقوب جعفری گوید: از امام رضا (علیه السلام) شنیدم که چنین می‌فرمود: «عزل کردن (باردار نکردن زوجه) در شش صورت مانعی ندارد: زنی که یقین داری نازاست؛ زن سالخورده و فرتوت؛ زن پرخاشگر (بدزبان و دهان‌دریده)؛ زن بدزبان و فحاش؛ زنی که فرزند خود را شیر نمی‌دهد و کنیز.» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۲۷۶).

پس از بررسی و احصای موارد مزبور در سیره امام رضا (علیه السلام) بر آن شدیم تا یکی از ساختارهای قرآنی را درباره حل و فصل خصومت بررسی و جایگاه و شرایط آن را در قانون جدید حمایت خانواده تبیین کنیم.

۳. داوری در اختلاف های خانوادگی

۳-۱. پیشینه تقنینی

در باب حکمیت و داوری قوانین متعددی وضع گردیده است. نخستین بار قانون گذار نهاد داوری را در ۷۵۷ تا ۷۷۹ قانون اصول محاکمات حقوقی مصوب ۱۳۲۹ ه.ق گنجانید. سپس در سال ۱۳۰۶ قانون حکمیت را وضع کرد و در سال ۱۳۰۸ آن را اصلاح و دعاوی راجعه به اصل زوجیت و بنوت را از ارجاع به حکمیت ممنوع نمود.

نخستین قانونی که در باب نهاد داوری در دعاوی خانوادگی به طور مفصل بحث نموده آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ است که در ماده ۶۷۶ قانون مذکور مقرر داشته دادگاه مجاز است دعاوی زوجین را درباره سوء رفتار، عدم تمکین، نفقه، کسوه و سکنی، نفقه کودک را به درخواست هریک از زوجین به داوری ارجاع کند.

قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ در ماده ۵ نیز ارجاع به داوری را منوط به تقاضای هریک از زوجین نمود با این تفاوت که در این قانون بر خلاف ماده ۶۷۶ قانون آئین دادرسی مصوب ۱۳۱۸، دادگاهها مکلف به ارجاع داور گردیدند. همچنین، تشخیص رأی دادگاه در ارجاع دعوا به داوری در صورت اقتضا، مورد پذیرش قرار گرفت. همچنین محدوده و شمول دعاوی قابل ارجاع به داوری استثنا شده است.

در قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ مواد ۵ و ۶ و مواد ۸ تا ۱۰ آئین نامه اجرای قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۴/۰۲/۱۴ به مبحث داوری اختصاص یافته است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در راستای انطباق قوانین با شرع مقدس، بسیاری از قوانین دستخوش تغییرات گردید. از آن جمله می توان قوانین مرتبط به حوزه خانواده را نام برد.

در لایحه قانونی تشکیل دادگاه مدنی خاص، مصوب ۱۳۵۸/۰۷/۰۱ ذیل تبصره ۲ ماده

۵ ضمن پذیرش و ارجاع بدوی از طرف دادگاه به داوری بر مبنای آیه شریفه ۳۵ سوره نساء، در صورت عدم حصول سازش بین زوجین، اجازه طلاق داده می‌شود. در بند پایانی، در صورت درخواست طلاق توافقی، حتی مراجعه به دادگاه لازم شمرده نشده است.

در قانون مذکور وضعیت درخواست تقاضای طلاق از جانب زوجه در ارجاع به داوری مشخص نگردیده که باتوجه به مفاد تبصره ۲ «در مواردی که شوهر به استناد ماده (۱۱۳۳) قانون مدنی تقاضای طلاق می‌کند»، چنین بر می‌آید که درباره زوجه، دادگاه نیازی به ارجاع داوری ندارد.

در قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب ۱۳۷۱ نیز مقرراتی درباره داوری ذکر شده است. در ماده واحده مذکور آمده است: «چنانچه اختلاف فی‌مابین از طریق دادگاه و حکمین، از دو طرف که برگزیده دادگاهند (آن‌طور که قرآن کریم فرموده است) حل و فصل نگردید، دادگاه با صدور گواهی عدم امکان سازش، آنان را به دفاتر رسمی طلاق خواهد فرستاد.»

در این قانون و آئین‌نامه اجرایی، ارجاع به داوری اجباری دانسته شده و مشمول تمام زوج‌هایی که قصد جدایی دارند، گردیده است.

در آئین‌نامه اجرائی تبصره یک ماده واحده قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب ۱۳۷۱/۱۲/۰۲ داوری و شرایط داوران در ۹ ماده برشمرده است.

در تاریخ ۱۳۵۶/۰۳/۲۱ قانون شورای داوری از تصویب مجلس شورای ملی گذشت که در ماده ۱۱ آن آمده بود: «در امور مدنی صلاحیت خانه انصاف محدود به موارد ذیل است: رسیدگی به کدورت‌های خانوادگی و نفقه زن و اولاد و سایر افراد واجب‌النفقه.»

دعاوی خانوادگی دارای ویژگی‌ها و اختصاصاتی است که قواعد صرف و بی‌روح قانون اگرچه قادر به پایان‌دادن به آن است، لیکن در همه دعاوی قصد و هدف فصل خصومت نیست بلکه در دعاوی خانوادگی با توجه به آثار مستقیمی که بر نهاد

خانواده دارد و آثار غیرمستقیمی که بر جامعه می‌گذارد، به‌نظر می‌رسد مقصد قانون‌گذار و اندیشمندان علم‌الاجتماع حلّ اختلاف باشد.

بدون تردید، کمتر کسی است که از حجم بالای پرونده‌های قضایی اظهار بی‌اطلاعی یا ادعا کند که قضات دادگاه‌ها فرصت بررسی تمام مشکلات و معضلات زوجین را که به درخواست طلاق انجامیده است، دارند. با این وصف، انتظار حلّ و فصل دعاوی خانوادگی توسط قضات دادگاه‌ها امری بعید و شاید غیرممکن برسد. حتی قضات با حوصله و متخصص نیز پس از رسیدگی‌های چندساله در دادگاه‌ها، دچار خستگی و بی‌حوصلگی می‌شوند و تنها به فصل خصومت می‌اندیشند تا به حلّ اختلاف.

قانون‌گذار برای رهایی از این دغدغه، می‌تواند نهادهایی را در معیت دادگاه خانواده تدبیر کند که نهاد داوری از آن جمله است تا پس از ارجاع دعاوی خانوادگی به داور و تلاش وی در حلّ اختلاف، نسبت به موضوع اظهار نظر کند و قاضی در جهت کشف حقیقت و عدالت، کمتر دچار تردید و اشتباه گردد.

۳-۲. مفهوم‌شناسی و ماهیت‌یابی داوری

داور در لغت به‌معنای کسی است که میان مردم حکم و فصل دعوی نماید (معین، ۱۳۸۲: ۱۰۶۳). در واژه فارسی معادل «حَکَم» در زبان عربی و در اصطلاح حقوقی فصل اختلاف بین طرفین در خارج از دادگاه به‌وسیله شخص یا اشخاصی که طرفین یا ثالث آن‌ها را در این جهت انتخاب نموده، است. (شمس، ۱۳۸۷: ۵۱۵)

داور در پی حلّ اختلاف و فصل خصومت بین طرفین دعوی است. بنابراین، هدف داور اعم از داور مرضی‌الطرفین یا داور منتخب، دادگاه حلّ و فصل اختلاف است.

ازجمله قرارهای قانون آئین دادرسی مدنی می‌توان به قرار ارجاع به داوری اشاره کرد. قانون‌گذار در تعریف قرار در ذیل ماده ۲۹۹ چنین آورده است:

«چنانچه رای دادگاه راجع به ماهیت دعوا و قاطع آن به‌طور جزئی یا کلی باشد، حکم و در غیر این‌صورت قرار نامیده می‌شود.»

لذا قرار به تصمیمی گفته می‌شود که راجع به ماهیت دعوا و قاطع آن نیز نباشد. قرارها مثل احکام، قسمت عمده تصمیمات (اعمال) دادگاه‌ها را تشکیل و رای به حساب می‌آیند. در قانون آئین دادرسی مدنی، قرارها از جهات مختلف تقسیم‌بندی شده است که از آن جمله می‌توان به قرارهای اعدادی، قرار نهایی و غیرنهایی، قطعی و غیرقطعی اشاره کرد. در اینکه قرار ارجاع امر به داوری در زمره کدام یک از اقسام داوری است، با توجه به ماهیت داوری و فلسفه ارجاع به داوری، می‌توان گفت که این قرار در زمره قرارهای اعدادی یا مقدماتی به‌شمار می‌آید که پرونده را برای صدور رای قاطع آماده می‌کند.

درباره ماهیت نهاد داوری، بین فقها و حقوقدانان اختلاف نظر است. در قول مشهور، داوری نوعی وکالت قلمداد شده و داور را به‌مثابه وکیل طرفین دعوی دانسته‌اند. از منظر این دسته، قرارداد داوری نوعی وکالت است که در آن اشخاص به وکلای خود اختیار می‌دهند که درباره اختلاف آنان داوری کنند. رأی داور درباره طرفین و قائم مقام آنان نافذ است ولی این نفوذ فقط ناشی از اراده ایشان است (کاتوزیان ۱۳۷۳:۱۳۵).

از میان فقه‌های شیعی، فاضل هندی قائلان به توکیل را به مذهب مالکی و برخی از شافعیه (هندی ۱۴۱۶ق: ۵۲۲) و شیخ طوسی آن را به ابوحنیفه نسبت داده‌اند (طوسی ۱۴۰۷ق: ۴۱۶).

در بررسی اجمالی، به‌نظر می‌رسد ماهیت داوری با وکالت در تعارض باشد زیرا در وکالت علاوه بر اینکه باید وکیل غبطه و صلاح موکل خود را مراعات و در حدود اذن اقدام کند، وکالت از عقود جایز به‌شمار می‌رود که موکل در هر زمانی می‌تواند وکیل را عزل کند در حالی که این امر با غرض و هدف داوری در تعارض است. وانگهی، در مواردی که ارجاع امر به داوری یا تعیین داور اجباری است، چگونه می‌توان سمت

چنین داورى را با وکالت قیاس نمود؟ (کاتوزیان، ۱۳۷۳: ۱۳۶).

با توجه به انتقادهای وارد بر نظریه قراردادی، برخی درصدد طرح نظریه قضایی داورى بر آمدند. طرفداران این نظریه که داورى را با نهاد قاضی تحکیم پیوند زده‌اند، معتقدند مقصود از «حکم» در آیه ۳۵ سوره نساء همان قاضی تحکیم است زیرا قرآن در این آیه از داور به‌عنوان «حکم» یاد کرده است شهید ثانی، ۱۴۱۳ق: ۳۶۷. منظور از قاضی تحکیم، قاضی منتخب دو طرف دعواست که طرفین بر قضاوت او توافق کرده‌اند.

در رویکرد قضایی به نهاد داورى، داورى جزئی از سازمان قضایی دانسته شده و باید شرایط قضاوت مندرج در قانون را دارا باشد. لذا استقلال و رعایت انصاف و بی‌طرفی در دعوا از ویژگی‌های داور به‌شمار می‌آید.

برخی از حقوقدانان ضمن تأیید نظریه فوق چنین اظهار نموده‌اند که «داور هرچند منتخب طرف دعوی و اختصاصی باشد، نماینده اونیست بلکه نوعی قاضی است که حل و فصل اختلاف و اجرای عدالت را عهده‌دار است.» (صفایی، ۱۳۷۷: ۱۳).

در انتقاد بر نظریه قضایی نهاد داورى، چنین می‌توان استدلال کرد:

نخست، اگر داور را قاضی محسوب کنیم، باید شرایط قضاوت از جمله اجتهاد، مرد بودن و عادل بودن را دارا باشد که قطعاً داورى در دعاوی خانوادگی واجد چنین ویژگی‌هایی نیست زیرا به‌صراحت آیه شریفه قرآن «حکم» یا «داور» باید از خویشاوندان زوج و زوجه باشند که ممکن است در بین خویشاوندان، دوطرف فرد واجد شرایط یافت نشود.

دوم، اظهار نظر داوران باید واجد وصف قضایی و از اعتبار امر قضاوت شده باشد که تاکنون کسی قایل به آن نشده است.

سوم، بنا بر قوانین موجود در حوزه خانواده، نهاد داورى برای جلوگیری و پیشگیری

از اختلاف، تدبیر گردیده است. لذا اگر آن را از وابستگان قضا بدانیم، سهولت و سرعت که لازمه رسیدگی به دعاوی خانوادگی است، دستخوش آسیب می‌شود.

چهارم، آرای دادگاه‌های دولتی، بی‌چون وچرا اجرا می‌شود حال آنکه آراء و اظهار نظر داوران به‌خصوص در دعاوی خانوادگی، صرفاً در جهت کشف حقیقت برای قاضی دادگاه بوده و به‌خودی خود واجد وصف قضایی نیست.

انتقادهای بر نظریه قراردادی (وکالت) و قضایی داوری، ما را به نظریهٔ سومی رهنمون می‌سازد که می‌توان داوری را ترکیبی از وکالت و قضاوت دانست.

نظر به اینکه طرفین دعوا در انتخاب داور نقش دارند و قضاوت و حل‌وفصل اختلاف خود را به او سپرده‌اند، ماهیتی قراردادی قضایی دارد که برخی از ویژگی‌های نهاد وکالت و برخی از ویژگی‌های نهاد قضاوت را در خود گنجانده است.

در نهایت، با توجه به ماهیت مختلط داوری به‌خودی خود به مترصدان امر داوری هیچ رهنمود راهبردی ارائه نمی‌دهد و در واقع ایشان را بر حسب نظام سیاسی یا عملی در غالب‌کردن یکی از دو رکن قراردادی یا قضایی آزاد می‌گذارد؛ آزادی‌ای که در نهایت به آشفتگی در نهاد داوری می‌انجامد.

به‌نظر می‌رسد هرچند داوری مخلوق توافق ارادهٔ طرفین دعوی بوده و عملکرد داوران ویژگی کاملاً قضایی دارد، با این حال این وجوه تشابه نمی‌تواند ماهیت داوری را تعیین کند و باید ماهیتی اصیل برای این نهاد حقوقی قائل شد تا بتوان نظام حقوقی متناسب با آن را بدون وابستگی ارکان قراردادی و قضایی تعیین کرد.

نهاد داوری در دعاوی خانوادگی یک محکمهٔ صلح خانوادگی قلمداد می‌شود که فلسفه تشکیل و ارجاع به آن، بازگشت صلح و آرامش به نهاد خانواده است (مکارم ۱۳۷۴:۳۷۵).

خانواده نهادی است که حفظ و تحکیم آن آثاری همچون حصول آرامش، تجدید

قوای جسمی - روحی و تأمین نیازهای مرتبط را به دنبال دارد. خانواده محل تربیت فرزندان صالح و جایی است که تحکیم آن ملازمه با تحکیم جامعه دارد.

در نتیجه، باید گفت نهاد داوری مندرج در قانون حمایت خانواده ماهیتی اصیل و مستقل دارد که قانون‌گذار مواد ۲۷، ۲۸، قانون مذکور و مواد ۱۱ تا ۱۵ آئین‌نامه، به آن اشاره کرده است.

۳-۳. داوری از منظر شرع

از دیدگاه قرآن و سنت، نهاد خانواده بستر رشد و نمو قواعد اخلاقی و دینی است و از این منظر است که خداوند در قرآن مجید (آیه ۳۵ سوره نساء) با رویکردی روان‌شناختی به این مهم تأکید فرموده که اگر بیم استمرار اختلاف بین زن و شوهر دارید یک حکم و داور از طرف زن و یک داور از جانب مرد انتخاب کنید. اگر قصد اصلاح و سازش داشته باشید، خداوند به آنها توفیق خواهد داد.

در آیه مذکور از فعل امر «فابعثوا» استفاده شده است. در مباحث اصولی بحث است که آیا صیغه امر دال بر وجوب است یا استحباب؟ اگر صیغه امر دال بر وجوب داشته باشد ارجاع امر به داوری قاعده امری به حساب می‌آید. ولی اگر دال بر استحباب نماید ارجاع امر به داوری صرفاً قاعده‌ای اخلاقی و متضمن امر استحبابی است.

در قوانین قبل از انقلاب ارجاع امر به داوری و استفاده از امر، استحباب بود اما در قوانین پس از انقلاب و در راستای انطباق قوانین با شرع مقدس، تغییر وجوبی و لزوم ارجاع امر به داوری قوت گرفت و نظریه مشورتی شماره ۷/۱۹۴-۱۵/۱۳۷۲ که صدور گواهی عدم امکان سازش بدون ارجاع امر به داوری را صحیح ندانسته، گویای این مهم است.

در اینکه خطاب آیه مبنی بر انتخاب حکمین متوجه قضات است یا زوجین، ظاهر

ماده واحد، مقررات مربوط به طلاق «چنانچه اختلاف فی‌مابین از طریق دادگاه و حکم‌مین از دوطرف که برگزیده دادگاهند» و نظر مشهور در فقه این است که انتخاب داورها بر عهده قضاوت و دادگاه است (صفایی و امامی، ۱۳۹۵: ۲۷۲).

از دقت در مفاد آئین‌نامه اجرایی تبصره ۱ ماده واحد مصوب ۱۳۷۱/۸/۲۸ چنین برمی‌آید که حق انتخاب داورها بر عهده زوجین است. به‌نظر می‌رسد ارجاع به داوری واجب کفایی تلقی می‌شود که به‌عنوان یک تکلیف بر عهده آحاد امت اسلامی است. لذا در مرحله نخست زوجین به انتخاب داور اقدام می‌کنند و در صورتی که معرفی داور از جانب زوجین صورت نپذیرفت و اقربای زوجین نیز از معرفی و پذیرش داوری امتناع کردند، دادگاه نسبت به انتخاب داور اقدام می‌کند (دیانی، ۱۳۸۷: ۳۱۵).

در علت انتخاب داور از میان اعضای خانواده زن و مرد، گفته شده که خانواده طرفین از حال زن و شوهر و مشکلات آنان بیشتر خبر دارند افزون بر اینکه با توجه به روابط عاطفی و خانوادگی، تأثیر بیشتری می‌توانند بر حل اختلاف فی‌مابین داشته باشند. اما اگر انتخاب داور از بین خویشاوندان دو طرف متعذر و دشوار باشد، در انتخاب بیگانه اشکالی وجود ندارد و در وجوب یا استحباب تعیین داور نیز قائلان به وجوب اقتضای عمل، به ظاهر آیه استناد کرده‌اند (شهیدثانی، ۱۴۱۰: ق: ۴۷۸).

در شرایط داوران انتخابی اگرچه آیه هیچ اشاره‌ای نکرده است و واژه «حکم» اطلاق دارد، لیکن فقها شروط بلوغ، عقل، صاحب‌نظر بودن نسبت به مورد ارجاعی را بر شمرده‌اند و اجتهاد را جزء شروط داوران به‌شمار نیآورده‌اند (امینی و آیتی، ۱۳۸۳: ۷۹) جواهرالکلام اشکال وارد کرده که «شرط این صفات در حاکم شرع، دلیل اعتبار آنها در داور نیست و می‌توان آن را منع نمود». (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۳: ۲۱۴).

۳-۴. داوری در قانون حمایت خانواده (مصوب ۱۳۹۱)

مواد ۲۷ و ۲۸ قانون حمایت خانواده به امر داوری اختصاص یافته است. در این مواد

نکات زیر مورد توجه قرار گرفته است:

الف) ارجاع به داوری صرفاً در کلیه موارد درخواست طلاق مورد قبول قانون گذار قرار گرفته است. بنابراین، اگر زوجین در دعاوی خانوادگی نفقه، مهریه و ... را درخواست کرده باشد، ارجاع به داوری صورت نمی پذیرد.

ب) طلاق توافقی از ارجاع به داوری استثنا شده است. به نظر می رسد قانون گذار در طلاق توافقی، با توجه به ایجاد مراکز مشاوره خانواده و ارجاع درخواست های طلاق توافقی به مراکز مذکور، نیازی به ارجاع داوری ندیده است.

ج) ارجاع به داوری به منظور ایجاد صلح و سازش صورت می پذیرد. بنابراین، تفکیک طلاق توافقی از غیرتوافقی در ارجاع به نهاد داوری، معقول و منطقی نیست.

د) دادگاه ملزم به رأی بر اساس نظر داوران گردیده و در صورت عدم پذیرش نظریه داوران، مکلف به ردّ نظر آنان با ذکر دلیل است.

ه) در ماده ۲۸ و دو تبصره ذیل آن، با تکلیف زوجین به معرفی داور حایز شرایط ظرف یک هفته از تاریخ ابلاغ (تأهل، حداقل ۳۰ سال، آشنا به مسائل شرعی، خانوادگی و اجتماعی) برای دادگاه تعیین شده است.

در آیین نامه اجرای قانون حمایت خانواده در مبحث چهارم مواد ۱۱ تا ۱۵ به داوری و شرایط آن پرداخته شده است.

۳-۵. نوآوری های قانون در بحث داوری و انتقادهای وارد بر آن

در قانون جدید حمایت خانواده، قانون گذار بین طلاق توافقی و غیرتوافقی در ارجاع به داوری تفکیک قایل شده است. اگرچه در تبصره ۲ لایحه قانونی تشکیل دادگاه مدنی خاص مصوب ۱۳۱۸ این تفکیک صورت پذیرفته بود، اما در قانون جدید، طلاق توافقی به مراکز مشاوره ارجاع داد می شود ولی در لایحه مذکور حتی مراجعه به

دادگاه نیز لازم دانسته نشده بود.

همچنین شرایط داوران در قانون جدید نسبت به قوانین پیشین کاهش یافته است، در حالی که در آیین‌نامه اجرایی تبصره یک ماده واحده قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق در ماده ۴ شرایط داوران را در ۶ بند احصا نموده بود ولی در قانون جدید حمایت خانواده شروط اسلام، معتمدبودن، عدم اشتها به فسق و فجور حذف و حداقل سن از ۴۰ به ۳۰ سال کاهش یافته است.

افزون بر اینکه در قانون جدید، دادگاه مکلف و ملزم به صدور رأی بر اساس نظر داوران گردیده است و اگر به هر دلیلی نظر داوران را نپذیرد، باید دلیل خود را برای رد نظر آنان بیان کند.

همچنین الزام زوجین به معرفی داور ظرف یک هفته از تاریخ ابلاغ را می‌توان از نوآوری‌های قانون به‌شمار آورد که می‌تواند مانع اطاله دوری شود. اگرچه قانون‌گذار ضمانت اجرای عدم معرفی داور ظرف یک هفته را مشخص نکرده است.

از مهم‌ترین انتقادهای وارد به قانون جدید موارد زیر است:

قانون جدید حمایت از خانواده، چون سایر قوانین ارجاع اختلاف به دوری را در طلاق منحصر دانسته است. قانون‌گذار در فصل چهارم ذیل عنوان «طلاق» که از مواد ۲۴ تا ۳۹ به آن اختصاص یافته است، در ماده ۲۷ به تصریح عنوان کرده که «در کلیه موارد درخواست طلاق» دادگاه مکلف به ارجاع به دوری است و در سایر دعاوی و دادخواست‌های زوجین، اعم از نفقه و مهریه و... دادگاه الزامی به ارجاع به دوری ندیده است. این انحصار علاوه بر عدم مبنای منطقی، با روح آیه شریفه ۳۵ سوره نساء در تعارض است زیرا خداوند در آیه شریفه به نحو اطلاق فرموده است در صورتی که بیم اختلاف و دشمنی (خوف شقاق) بین زوجین برود انتخاب حکم و داور و ارجاع به دوری پسندیده و مورد قبول شریعت است. انحصار دوری در طلاق با اطلاق «بیم اختلاف و دشمنی» قابل جمع نیست زیرا آیه هرگونه نشانه‌ای از اختلاف چه در حوزه

درخواست طلاق و جدایی یا در حوزه سایر دعاوی خانوادگی چون نفقه و... را که خوف اختلاف و دشمنی زوجین برود، قابل ارجاع به داوری دانسته است. برخی از محققان اقدام بستگان زوجین (داوران) را از باب وجوب نهی از منکر دانسته‌اند (هدایت‌نیا، ۱۳۸۷: ۱۴۹).

نکته قابل تأمل دیگری که از رویکرد روان شناختی قرآن به‌خوبی قابل فهم است، استعمال واژه «خوف» در کنار واژه «شقاق» است. خوف به‌معنای بیم و ترس است و شقاق به‌معنای دشمنی و اختلاف (فیض کاشانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱: ۴۴۹) و در اصطلاح فقها «شقاق» به معنای کراهت زوجین از یکدیگر است. در قرآن تصریح شده است زمانی که بیم و ترس از ایجاد عناد و اختلاف بین زوجین می‌رود، داور انتخاب کنید. در حقیقت، قرآن معرفی داور را یک اقدام پیشگیرانه معرفی کرده است نه اقدام علاج‌گونه.

قلمرو داوری در قوانین قبل از انقلاب وسیع‌تر از قوانین پس از انقلاب بوده است. قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ موارد اختلافی راجع به سوء رفتار، عدم تمکین، نفقه و... را قابل ارجاع به داوری دانسته است.

رسیدگی قضایی طولانی و پرهزینه بعضاً موجب تیره‌تر شدن روابط زوجین می‌گردد و از طرفی دستگاه قضایی با کمبود کادر و نیروی انسانی مواجه است. به‌نظر می‌رسد تأسیس نهاد داوری راهگشای بسیاری از مشکلات مذکور است.

از نظر نگارندگان، شایسته است قانون‌گذار در آیین‌نامه جدید قانون حمایت خانواده با تفصیل بیشتری درباره مقررات مربوط به داوری، نحوه انتخاب داوران، شرایط داوران، گزینش داوران از طریق مرجع ذی‌صلاح، لزوم برگزاری دوره‌های آموزشی برای داوران، داوری معاضدتی، نظارت بر رفتار داوران و جلوگیری از داوری‌های صرفاً با انگیزه مالی، ارجاع به داوری قبل از تشکیل پرونده در محاکم قضایی سخن به میان آورد؛ هرچند که به‌صورت اجمالی و گذرا به آن پرداخته شده است.

پیشنهاد می‌شود قانون‌گذار در راستای جلوگیری از ایجاد نهادهای موازی و توسعه وظایف دستگاه قضا نسبت به تغییر عنوان «مراکز مشاوره خانواده» به «مراکز داوری و مشاوره خانواده» اقدام نماید و با ایجاد سازوکارهای مناسب نسبت به ارجاع کلیه دعاوی خانوادگی و حتی مراجعین زوجین به مراکز فوق قبل از مراجعه به دادگاه تدبیر نماید.

در قانون جدید، قانون‌گذار مراکز مشاوره را با آن‌همه طول و تفصیل ایجاد و بیشترین کارکرد آن را در طلاق‌های توافقی خلاصه کرده است؛ حال آنکه «مراکز داوری و مشاوره خانواده» می‌تواند فرصتی مغتنم جهت حل اختلاف در تمام دعاوی خانواده به‌شمار رود. قانون‌گذار با ایجاد نهاد مذکور در دو بخش داوری و مشاوره، علاوه بر ایجاد سازوکار مناسب برای نهاد داوری و مشاوره، نسبت به تفکیک وظایف آن دو اقدام می‌کند و به نهاد داوری نیز نظم و نسق ویژه خواهد داد.

همچنین به‌نظر می‌رسد تأسیس نهاد داوری در معیت دادگاه‌ها اقدام ارزنده بعدی قانون‌گذار در راستای حمایت از نهاد خانواده خواهد بود تا هم از مراجعه زوجین به دادگاه‌ها کاسته و هم آثار مخرب مراجعات زوجین به دادگاه و دخالت ضابطان قضایی در حریم خصوصی که زخم‌های التیام‌ناپذیری را بر نهاد خانواده وارد می‌کنند، کاهش یابد و قداست نهاد خانواده با مراجعات غیرضروری به دستگاه قضا مخدوش نگردد.

ایجاد نهاد داوری در معیت دادگاه خانواده و قبل از شروع دادخواهی زوجین می‌تواند به این مهم کمک کند. پیشنهاد می‌شود با تلفیق مراکز مشاوره و ایجاد نهاد داوری در معیت آن، از ظرفیت حقوقی ایجادشده نهایت استفاده شود.

نتیجه‌گیری

خانواده مقدس‌ترین نهاد از دیدگاه اسلام است. ازدواج پیوندی مقدس و ضروری است که دارای کارکردهای متعدد فردی و اجتماعی است. اسلام با طلاق سخت مخالف

بوده و در کلام معصوم از آن به عنوان مبعوض ترین حلال خداوند نام برده شده است. مطابق آنچه در این پژوهش نشان داده شد، در گفتمان رضوی راه کارهای گوناگونی جهت پیشگیری از طلاق و استحکام بنیان خانواده بیان گردیده است. همچنین در جهت رفع اختلاف های احتمالی راهکارهایی ارائه شده که زوجین می توانند با کاربست آن ها در زندگی مشترک، برای تشیید و استحکام بنیان های زندگی مشترک خود گام های استواری را بردارند. یکی از راهکارهایی که دین اسلام برای جلوگیری از طلاق و فروپاشی خانواده مطرح می کند، حکمیت یا داوری است که در قانون جدید حمایت از خانواده نمود یافته است و می تواند مشکلات پیش آمده را پیش از مراجعه به قانون حل کند. قانون گذار در آیین نامه جدید قانون حمایت خانواده باید با تکیه بر قرآن و کلام معصومین (علیهم السلام) با تفصیل بیشتری درباره مقررات مربوط به داوری، نحوه انتخاب داوران، شرایط داوران، گزینش داوران از طریق مرجع ذی صلاح، لزوم برگزاری دوره های آموزشی برای داوران، داوری معاضدتی و نظارت بر رفتار داوران، به تبیین این نهاد پردازد. تبیین مدقانه و کاربست صحیح نهاد داوری در دعاوی خانوادگی، از فروپاشی بنیان خانواده بر اثر سوء تفاهم های احتمالی کاسته و در برخی از موارد موجبات استحکام آن را فراهم می آورد.

منابع و مآخذ

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۶۲). *الخصال*. چاپ اول. قم: جامعه مدرسین.
- _____ (۱۴۱۳ق). *معانی الأخبار*. چاپ اول. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- _____ (۱۳۷۲). *عیون أخبار الرضا (ع)*. مترجمان: غفاری و مستفید. چاپ اول. تهران: صدوق.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. (۱۳۷۶). *تحف العقول*. تصحیح: علی اکبر غفاری. تهران: بی‌نا.
- امینی، علیرضا؛ آیتی، سید محمد رضا. (۱۳۸۳). *تحریر الروضه فی شرح اللمعه*. تهران: سمت.
- برقی، ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد. (۱۳۷۱ق). *المحاسن*. چاپ دوم. قم: دارالکتب الإسلامیه.
- بروجردی، آقا حسین طباطبایی. (۱۴۲۹ق). *جامع أحادیث الشیعه*. ۳۱ جلد. چاپ اول. تهران: فرهنگ سبز.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۹). *تفسیر تسنیم*. قم: اسراء.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعه*. ۳۰ جلد. چاپ اول. قم: مؤسسه آل‌البتیت (ع).
- الحویزی، عبدعلی بن جمعه. (۱۴۱۵ق). *تفسیر نور الثقلین*. چاپ چهارم. قم: مطبعه العلمیه.
- دلشاد تهرانی، مصطفی. (۱۳۸۳). *سیره نبوی «منطق عملی»*. ۴ جلد. چاپ دوم. تهران: دریا.
- دیانی، عبدالرسول. (۱۳۸۷). *حقوق خانواده*. چاپ اول. تهران: نشر میزان.
- رشیدرضا، محمد. (۱۹۹۵م). *تفسیر القرآن الکریم (تفسیر المنار)*. بیروت: دارالمعرفه.
- شرفی، محمدرضا. (۱۳۸۸). *مهارت‌های زندگی در سیره رضوی*. مشهد: آستان قدس رضوی.
- شمس، عبدالله. (۱۳۸۷). *آئین دادرسی مدنی (دوره پیشرفته)*. چاپ هجدهم. تهران: ادراک.
- شهیدناتی، زین‌الدین بن علی. (۱۴۱۰ق). *الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشی - کلاتر)*. چاپ اول. قم: کتابفروشی دآوری.
- _____ (۱۴۱۳ق). *مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام*. چاپ اول. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.
- صفایی، سید حسین و امامی، اسدالله. (۱۳۹۵). *مختصر حقوق خانواده*. چاپ ۴۳. تهران: میزان.
- صفایی، سید حسین. (۱۳۷۷). «سخنی چند درباره نوآوری‌ها و نارسایی قانون دآوری تجاری بین‌المللی». *مجله دانشکده حقوق و علوم و سیاسی*. دوره ۴۰. ش ۱۰۵۰. صص: ۳۹-۵.
- طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۷۸). *سنن‌النبی (ص)*. (ترجمه محمد هادی فقهی). چاپ هفتم. تهران: کتابفروشی اسلامیه.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۷ق). *الخلاف*. چاپ اول. قم: دفتر انتشارات اسلامی و وابسته به جامعه مدرسین.
- عباس‌نژاد، محسن. (۱۳۸۴). *قرآن، روانشناسی و علوم تربیتی*. چاپ اول. مشهد: بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه.
- فاضل‌هندی اصفهانی، محمد بن حسن. (۱۴۱۶ق). *کشف‌النام و الابهام عن قواعد الاحکام*. چاپ اول. قم: دفتر انتشارات اسلامی و وابسته جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- فیض کاشانی، محمد محسن. (۱۴۱۶ق). *تفسیر صافی*. چاپ دوم. قم: مؤسسه الهادی.
- _____ (۱۳۷۶). *المحجة البیضاء فی تهذیب الاحیاء*. ۸ جلد. چاپ چهارم. قم: جماعه المدرسین فی

- الحوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الإسلامي.
- قمی، شیخ عباس. (۱۴۱۴ق). سفینه البحار. چاپ اول. قم: دارالاسوه.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۳). حقوق مدنی (خانواده). چاپ دوم. تهران: یلدا.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: اسلامیه.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۱۰ق). بحار الأنوار. جلد ۳۳. چاپ اول. بیروت: مؤسسة الطبع والنشر.
- _____ . (۱۴۰۴ق). بحار الأنوار. چاپ دوم. بیروت: مؤسسه الوفا.
- _____ . (۱۴۰۳ق). مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول. چاپ دوم. تهران: نور وحي.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۲). فقه و حقوق (مجموعه آثار). جلد ۳. چاپ اول. قم: صدرا.
- مظاهری، حسین. (بی تا). خانواده در اسلام. چاپ اول. قم: شفق.
- معلوف، لويس. (۱۳۸۲). المنجد. مترجم: محمد بندریگی. تهران: بی نا.
- معین، محمد. (۱۳۶۰). فرهنگ فارسی. چاپ چهارم. تهران: امیرکبیر.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- منتظری نجف آبادی، حسینعلی. (۱۴۲۷ق). معارف و احکام بانوان. چاپ دوم. قم: مبارک.
- نجفی، محمد حسن. (۱۳۶۷). جواهر الکلام. چاپ سوم. ج ۳۱. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- نوری، حسین بن محمد تقی. (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. چاپ اول. قم: موسسه آل البيت لاحیاء التراث.
- هدایت نیا، فرج الله. (۱۳۸۷). داوری در حقوق خانواده. قم: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

قوانین و مقررات:

- ماده واحده لایحه مقررات مربوط به طلاق مصوب ۱۳۷۱ و آئین نامه اجرایی آن مصوب ۱۳۷۱/۱۲/۰۲
- قانون حمایت خانواده، مصوب ۱۳۵۳ و آئین نامه اجرایی آن مصوب ۱۳۵۴
- اصول محاکمات، مصوب ۱۳۲۹
- قانون آئین دادرسی، مصوب ۱۳۱۸
- قانون حکمیت، مصوب ۱۳۰۶
- لایحه قانونی تشکیل دادگاه مدنی، مصوب ۱۳۱۸/۰۷/۰۱
- قانون حمایت خانواده، مصوب ۱۳۹۱ و آئین نامه اجرایی آن
- قانون شورای داوری، مصوب ۱۳۵۶
- قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی، مصوب ۱۳۷۹